



The use of narrative techniques and magical realism in the novel "Al-Asfouriya"

Ali Salimi*¹, Mosayeb Ghobadi², Ali Parvaneh³

1. Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.
2. Graduate of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.
3. Graduate of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:
28/02/2026

Accepted:
11/05/2026

The term "narrative disorder" means disrupting the normal areas and linear flow of the narrative, and its main components are anaphora, anaphora, and anaphora. Among them, another that created a suitable platform for anaphora is the narrative technique of magical realism, in which magic and dream are somehow combined and intertwined with reality - and the effect resulting from the combination of the two bears the least resemblance to its constituent elements. The connection and proportion between these two narrative and critical perspectives created an efficient mechanism in the compilation and analysis of the contemporary novel. The aim of the present study is to represent the hidden angles of the novel Al-Asfouriya by using the two narrative-critical approaches mentioned above. The results of the study have shown that this novel is one of the novels whose layers can be explained and interpreted with the help of these two fields of knowledge. Because on the one hand, it has the character of Javanese realism and its events take place on the border between reality and illusion and in the world of jinn and humans, and on the other hand, it is full of aberrant narrative; in it, the linear process of time, the physics of space, and the predictable action of man are broken and the gods have taken an unexpected path.

Keyword: *Arabic novel, narrative, magical realism, Ghazi al- Qasaibi, Asfouriya novel.*

Cite this article: Salimi, A. & Gobadi, M. & Parvaneh, A. (2026). The use of narrative techniques and magical realism in the novel "Al-Asfouriya", *Interdisciplinary Narrative Studies in Arabic Language and Literature*. 3(Special Issue). 119-146.
doi: 10.22034/jisall.2026.581764.1119

© The Author(s).

Publisher: University of Zabol



***Corresponding Author:** Ali Salimi

Address: Professor, Department of Arabic Language and Literature, Razi University, Kermanshah.

E-mail: a.salimi@razi.ac.ir



دوفصلنامه روایت‌پژوهی میان‌رشته‌ای در زبان و ادبیات

عربی

شاپای الکترونیکی: ۳۰۹۲-۶۹۵۵

<https://jisall.uoz.ac.ir/>



کاربست شگردهای روایت‌پریشی و رئالیسم جادوئی در رمان «العصفورية»

علی سلیمی ^۱، مصیب قبادی ^۲، علی پروانه ^۳

^۱ استاد، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

^۲ دانش‌آموخته دکتری، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

^۳ دانش‌آموخته دکتری، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی اصیل

دریافت:

۱۴۰۴/۱۲/۰۹

پذیرش:

۱۴۰۵/۲/۲۱

اصطلاح روایت‌پریشی به معنای برهم زدن ساحت‌های عادی و روند خطی روایت است و کنش‌پریشی، مکان‌پریشی و زمان‌پریشی از مؤلفه‌های اصلی آن به شمار می‌رود. و در این میان، رویکرد دیگری که بستری مناسب برای روایت‌پریشی به وجود آورد، تکنیک روایی رئالیسم جادوئی است که در آن سحر و رؤیا به گونه‌ای با واقعیت تلفیق و در هم تنیده شده‌اند که اثر پدید آمده از ترکیب آن دو، کمترین شباهتی به عناصر سازنده‌اش دارد. پیوند و تناسب میان این دو رویکرد روایی، نقدی، ساز و کاری کارآمد در تدوین و تحلیل رمان معاصر به وجود آورد. هدف پژوهش حاضر، بازنمایی زوایای پنهان رمان «العصفورية» با به کارگیری دو رویکرد روایی - نقدی پیش گفته است. نتایج پژوهش نشان داده که این رمان از جمله رمان‌هایی است که لایه‌های تو در تو آن، با کمک این دو حوزه دانشی، قابل تبیین و تفسیر است. زیرا از یک سوی، صیغه رئالیسم جادوئی دارد و حوادث آن، در مرز میان واقعیت و توهم و در عالم جن و انس در جریان است و از سوی دیگر، مملو از روایت‌پریشی است؛ در آن، روند خطی زمان، فیزیک مکان و کنش قابل پیش بینی انسان در هم شکسته شده و رخدادها مسیری دور از انتظار به خود گرفته‌اند.

کلمات کلیدی: «العصفورية»، غازی القصیبی، روایت‌پریشی، رئالیسم جادوئی.

استناد: سلیمی، ع. قبادی، م، پروانه، ع. (۱۴۰۵). کاربرد شگردهای روایت‌پریشی و رئالیسم جادوئی در رمان «العصفورية»، *روایت‌پژوهی میان‌رشته‌ای در زبان و ادبیات عربی*. ۳ (ویژه‌نامه). ۱۱۹-۱۴۶.

doi: 10.22034/jisall.2026.581764.1119



حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

۱. مقدمه

توسعه نگارش رمان که در آن، لایه‌های آشکار و پنهان تجربه زیسته انسان و جامعه بازتاب یافته و از آن مهم‌تر، تحلیل و نقد رمان که ابعاد و زوایای این انعکاس را به چالش کشیده، طی سال‌های اخیر، رویکرهای نوینی در نقد ادبی معاصر پدیدآورده است. دو شیوه «روایت‌پریشی» و «رنالسیسم جادوئی» از جمله آنهاست. اصطلاح «روایت‌پریشی» توسط زبان‌شناسان ساخت‌گرا به حوزه رمان و تحلیل آن ورود پیدا کرد. روایت‌پریشی شگردی در ساختار رمان است که به موجب آن، زدن ساحت‌های عادی و روند خطی روایت به هم می‌ریزد؛ این فرایند روایی به کمک عناصری چون؛ کنش‌پریشی، مکان‌پریشی و زمان‌پریشی شکل می‌گیرد که از مؤلفه‌های اصلی روایت‌پریشی به شمار می‌روند. رویکرد دیگری که زمینه‌های گسترش و تعمیق روایت‌پریشی را در رمان نویسی فراهم کرد، رنالیسم جادوئی بود که واقعیت را با خیال و توهم در هم آمیخت. پیوند و تناسب میان این دو رویکرد، ساز و کاری کارآمد در تدوین و تحلیل رمان معاصر به وجود آورد.

لایه‌های پنهان و در هم تنیده برخی رمان‌های به گونه‌ای با مسائل روانی و اجتماعی در هم تنیده شده که تبیین و تفسیر آن نیاز مبرم به استفاده از حوزه‌های دانشی متنوع دارد. در تحلیل برخی رمان‌ها که روایت آن، نظام خطی حوادث و فیزیک مکان و کنش متداول انسانی را در هم ریخته و علاوه بر آن، در عالم واقع و خیال سیر می‌کنند، کاربست دو حوزه دانشی پیش گفته را می‌طلبد که می‌تواند رمان را در بوته نقدی علمی و روشمند قرار دهد. در این رمان‌ها معمولاً خواننده سردرگم می‌ماند و سرنخ حوادث را از دست می‌دهد؛ او نمی‌داند چه می‌خواند و با چه کسی رو به رو است و در کجای حوادث ایستاده است. تحلیل مبتنی بر روایت‌پریشی به وی کمک می‌کند تا این پراکندگی زمان و مکان و گفتار را در قالبی نظاممند تفسیر و توجیه کند و از سوی دیگر، تکنیک رنالیسم جادوئی، ذهن او را برای پذیرش رخداد‌های غیر عادی آماده می‌سازد. یقیناً این دو دانش، ساز و کاری مناسب در تحلیل و نقد این گونه رمان‌هاست که بدون به کارگیری آن، فهم هدفمند ای گونه رمان‌ها گاهی مشکل و حتی غیر ممکن است.

رمان «العصفوریه» اثر نویسنده سعودی، غازی القصیبی از جمله رمان‌هایی است که لایه‌های هزار توی آن، بدون تمسک به ابرازی‌های نقدی متناسب با محتوای آن، غیر ممکن است. گزینش نام «العصفویه» برای رمان و نقل حوادث آن از زبان بیماری بستری در آن که خود را دانای کل می‌پندارد، با درهم ریختگی عامدانه سبک نگارش از توسط نویسنده، همگی فضای رمان مه‌آلود نموده است. محور اصلی رمان، گفتگوهای پراکنده قهرمان رمان، پرفسور «بشارالغول» است. او در ابتدا از پرستاری می-

خواهد که روان‌پزشک «سمیر ثابت» را خبر کند. با آمدن روان‌پزشک، پراکنده‌گویی‌های پرفسور شروع می‌شود. او از مراحل مختلف زندگی، عشق‌ها، فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مهلکه‌هایی که در آن گرفتار شده و به شکلی غیر معجزه‌آسا از آن‌ها نجات یافته، تیمارستان‌هایی که به ادعای وی، به سبب سوء تفاهم در آن‌جا بستری بوده و همچنین فعالیت‌های تجاریش در کشورهای مختلف، به تفصیل و اطناب سخن می‌پراکند. رمان با زبانی فصیح و آمیخته به برخی عبارات عامیانه تألیف شده است. درون‌مایه اصلی رمان انتقاد و بلکه تخطئه اصحاب فرهنگ و هنر، اهل سیاست و فرهنگ و اجتماع است، در این رمان، هیچ موضوعی از زبان تلخ و آمیخته به طنز نویسنده مصون و محفوظ نمانده است. این انتخاب هدفمند و معنادار، سویه نگاه و تصور نویسنده از میزان گسیختگی اوضاع معاصر در جهان عرب را نشان می‌دهد. قهرمان رمان در عالم توهّمات، مدعی است که همه مسائل فلسفی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی دنیا را بهتر از همگان می‌فهمد و بلکه قادر به حل همه مشکلات بشری است. طرح در هم و برهم روی جلد رمان، خود گویای محتوای آن و تصویر ذهنی نویسنده از میزان نابسامانی‌های اطراف اوست. این رمان تاکنون از منظر رویکرد میان‌رشته‌ای بررسی نشده است. تحلیل آن با به کارگیری دو حوزه دانشی؛ روایت‌پریشی و دیدگاه رئالیسم جادویی، می‌تواند به گسیختگی متنی آن انسجام ببخشد و آن را در قالبی نظامند عرضه نماید. علاوه بر اینکه پژوهش حاضر، می‌تواند الگویی برای تحلیل آثار داستانی از این نوع در ادب عربی فراهم سازد و از این راه به توسعه روایت‌پژوهی از طریق گشودن افق‌های نوین در خوانش آثار داستانی با بهره‌گیری از سایر علوم انسانی و اجتماعی پدید آورد. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر رویکرد میان‌رشته‌ای دو حوزه دانشی؛ روایت‌پریشی و رئالیسم جادویی، کوشیده پاسخی برای پرسش‌های زیر بیابد:

نویسنده برای ترسیم تصویر ذهنی خود از اوضاع، از چه شگردهایی روایی استفاده نموده است؟

به کارگیری تکنیک روایت‌پریشی و رئالیسم جادویی، چگونه زوایای پنهان درون مایه رمان را تبیین و تشریح می‌نماید؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

در زمینه رمان‌های القصیبی و از جمله «العصفوریه» پژوهش‌های بسیار انجام شده است، در این‌جا به ذکر چند نمونه از آن‌ها که بیشتر مرتبط با موضوع پژوهش حاضر است، بسنده می‌گردد:

عبدالله غدامی (۱۹۹۷) در کتاب نقدی با عنوان: «العصفوریة، المعلومة بوصفها سردية شخصية» با نگاهی ویژه و منحصر به خود، با رویکرد نقد فرهنگی، از سیر تحول حادثه به خیال در رمان سخن گفته است

و رمان را کشمکش میان دانش‌ها و معلومات به شمار می‌آورد. این کتاب موضوعات بینا فرهنگی در رمان را بررسی کرده است.

حامد أبو أحمد (۱۹۹۸) در کتاب «العصفورية بين المعلومة والاستطرد» العصفورية را بیشتر از آن که یک رمان به حساب آورد، یک اثر فرهنگی تلقی می‌کند و صبغه رمان را در آن کم رنگ می‌بیند. این کتاب هم صبغه فرهنگی رمان را بررسی کرده است و تفاوت این کتاب با کتاب عبدالله غدامی این است که برخلاف غدامی رویکرد فرهنگی در آن تک‌وجهی و درون فرهنگی است، ولی کتاب غدامی قلمرو بینا فرهنگی را در رمان بررسی کرده است.

اسامه الملا (۱۹۹۹) در کتاب «من الازرق الى الازرق قراءة في عتبات العصفورية» به تحلیل ربط میان عنوان-های رمان با محتوای آن پرداخته است. نویسنده در این کتاب معتقد است که عناوین رمان به طور دقیق بیان‌گر محتوای رمان است و خواننده به کمک عناوین می‌تواند پریشنی و دگرگونی‌های روایت را بهتر بفهمد. این امر منجر شده است تا تناسب محتوا و شکل در به مرحله کمال خود برسد. بررسی‌های صورت گرفته در این کتاب، از دایره رمان فراتر نمی‌رود.

حسن النعمی (۲۰۰۴) در کتاب «قراءات في الرواية السعودية» ضمن بررسی تحولات رمان سعودی و روند آن در پیوند با تحولات اجتماعی و فرهنگی جامعه عربستان، از العصفورية به عنوان یکی از نقطه‌های عطف رمان‌نویسی عربستان نام برده است. او معتقد که در هیچ رمانی به اندازه رمان العصفورية حوادث و کنش‌ها متفاوت و متنوع نیست و معتقد است رمان کاملاً بیان‌گر تحولات معاصر عصر نویسنده و دوران پس‌اساختارگرایی است.

نبیل سلیمان (۲۰۰۵) در کتاب «أسرار التخيل الروائي» به طور مختصر به برخی جنبه‌های رمان العصفورية پرداخته است که شامل: راوی، فضا، زمان، مکان و تفسیر گذرایی از محتوای سیاسی رمان است. در نظر سلیمان، تخیل به معنای دوغ یا گسست کامل از واقعیت نیست؛ بلکه فرایندی است که طی آن واقعیت بازسازی، دگرگون و به ماده روایی تبدیل می‌شود. شباهت این کتاب با کتاب النعمی در این است که هر دو کتاب به شکل تخصصی به رمان «العصفورية» نپرداخته‌اند؛ بلکه در قالب بررسی جنبه‌های گوناگون رمان آن را بررسی کرده‌اند.

محمد بن مریسی الحارثی (۲۰۰۳) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد در «جامعة ام القرى» با نام «الرواية عند القصصی- دراسة نصیة» تحلیلی از رمان‌ها و سبک نویسنده، از بعد دینی، تاریخی، قومی، مکان و زمان ارائه نموده است. این پایان‌نامه با خوانشی تک‌بعدی و متن‌محور عناصر موجود در روایت را بررسی می‌کند.

عبدالرحمن الاسماعيل (۲۰۰۱) در مقاله «الاتجاه العجائبي في الأدب السعودي المعاصر»، به بیان کیفیت جادویی حوادث رمان العصفوریه و برجستگی آن، در میان رمان‌های ادب عربی پرداخته است. او ابتدا به تبیین حضور عناصر شگفت‌انگیز و غیر عادی، فاصله گرفتن از واقع‌گرایی، آمیختن خیال و واقعیت و استفاده از عجائب برای ایجاد معنا و تأویل‌های تازه در ادبیات عرب می‌پردازد. سپس به رمان «العصفوریه» در کنار «سحاره» اثر عبدالله غدامی پرداخته است.

مهابنت عبدالله الزهرانی (۲۰۲۰) در مقاله «دور الادب السعودي في التنمية الثقافية، غازي القصيبي أنموذجاً» با استناد به آثار نویسنده و از جمله رمان «العصفوریه» به تأثیر عمیق وی در تحولات اجتماعی، فرهنگی سعودی پرداخته است. الزهرانی معتقد است که ادیبان سعودی از تحولات اجتماعی و اقتصادی جدا نبودند؛ بلکه در شکل‌دهی به آگاهی فرهنگی و اجتماعی مشارکت داشتند و در این میان القصیبی را به عنوان نمونه برجسته معرفی می‌کند.

سلیمی و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله «کاربست شگردهای روایی در بازتولید تصویری از جهان معاصر عرب در رمان العصفوریه اثر غازي القصيبي» محتوای رمان را بررسی کرده و به این اشاره شده است که نویسنده برای بیان اوضاع وخیم جهان عرب، تلفیق خیال و واقعیت را به خدمت گرفته است.

سلیمی و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله «تحلیل و مقایسه شگردهای زبانی در دو رمان العصفوریه و اهل غرق (درهم تنیدگی واقعیت و خیال در وصف تنگناهای اجتماعی-سیاسی) به مقایسه میان دو رمان در تشابه و تفاوت کاربست شگردهای زبانی- روایی پرداخته است. این پژوهش با پژوهش قبل که هر دو توسط سلیمی و همکاران صورت گرفته است، تلفیق خیال و واقعیت را در رمان «العصفوریه» را در یک حوزه از دانش ادبی بررسی کرده است و بیشتر بر معنای مورد نظر نویسنده تمرکز داشته‌اند.

بیشتر پژوهش‌های موجود، درباره رمان «العصفوریه» بر مفاهیمی همچون گفتمندی، چندصدایی، جنون، نقد اجتماعی و بینافرهنگی متمرکز بوده‌اند. اما تاکنون پژوهش مستقلی که به شکل تخصص و میان‌رشته‌ای به بررسی روایت‌پریشی در رمان و ارتباط آن با رئالیسم جادویی پرداخته باشد، صورت نگرفته است؛ امری که ضرورت پرداختن به این موضوع را دوچندان کرده است.

۲. چارچوب نظری پژوهش و روش‌شناسی میان‌رشته‌ای

۱-۲. چارچوب نظری

اصطلاح «روایت‌پریشی» توسط کسانی چون ژرار ژنت، تودوروف و بارت در دنیای روایت‌شناختی ساخت‌گرا به وجود آمد (مکاریک، ۲۰۰۵: ۱۵۷-۱۵۱). اصطلاح روایت‌پریشی به معنای برهم زدن

ساحت‌های روایی است که در آن معمولاً موجود یا موجوداتی از ساحت روایی دیگر یا حتی خارج از روایت به درون روایت یا دنیای داستان هجوم می‌آورند. کنش‌پریشی، مکان‌پریشی و زمان‌پریشی در روایت، عناصر اصلی روایت‌پریشی هستند. کنش‌پریشی زمانی رخ می‌دهد که کنش‌ها ارتباط منطقی با هم ندارند و در خدمت یک کنش مرکزی قرار ندارند. بنابراین، رسیدن به نتیجه و هدف غیر ممکن است. این تکثیر کنش‌ها منجر به روایت‌پریشی می‌شود. مکان‌پریشی و زمان‌پریشی زمانی اتفاق می‌افتد که سیر منطقی زمان و مکان‌ها در روایت به هم بریزد و نتوان روندی منطقی برای آن‌ها در نظر گرفت. در این حالت، زمان و مکان منقطع یا جابه‌جا می‌شود یا این که کارکرد خطی آن به کارکردی غیر خطی (رفت و برگشتنی، چرخشی، توهمی و متکثر) تبدیل می‌گردد. (ر.ک: ژنت، ۱۴۰۳، ۱۲۳). عبدالملک مرتاض از این اصطلاح با عنوان «التشویش السردی» یاد می‌کند. او روایت‌پریشی را نوعی عدول از مسیر طبیعی و خطی روایت می‌داند؛ یعنی حوادث الزاماً مطابق با ترتیب وقوعشان روایت نمی‌شوند (مرتاض، ۱۹۹۸: ۱۴۵).

به‌کارگیری شگردهای روایی با کمک از دیگر حوزه‌های ادبی و هنری در رمان معاصر، در سال‌های اخیر، دریچه‌ای نو در تنوع بخشی به این گونه ادبی گشوده است. یکی از این حوزه‌ها که رمان‌نویسی از آن در جهت غنا و تنوع روایت از آن بهره برده است، استفاده از رئالیسم جادویی است. فرانتس رو در سال ۱۹۲۵ برای اولین بار این اصطلاح را جهت تفسیر آثار نقاشی به کار برد. بعد از او کارپنتیر در سال ۱۹۴۹ این واژه را به شکل خاصی در ادبیات به کار برد (الفضل، ۱۹۹۱: ۲۲۷). رمان‌نویسان معاصر عرب نیز به نوبه خود از این جریان ادبی متأثر شده، آثاری ماندگار پدید آورده‌اند. «از میان نویسندگان عرب که این سبک را در نوشته‌های خود به کار گرفتند، می‌توان نجیب محفوظ را با داستان هزار و یک شب یا نوشته‌های محمد مستجاب یوسف ابوریه و آثار داستانی ابراهیم نصرالله نویسنده فلسطینی را یاد کرد» (ابو أحمد، ۲۰۰۹: ۴۵). ابو أحمد در کتاب «الواقیة السحریة» رئالیسم جادویی را پرداختن به واقع با روشی شعرگونه می‌داند تا جایی که در بعضی مواقع شکل کوچه و بازار می‌گیرد (همان: ۵۵). بنابراین رئالیسم جادویی دو کارکرد اصلی دارد: اول آمیختن واقعیت با وهم و خیال و دوم زدودن وهم و خیال از واقعیت. (الغانمی، ۲۰۰۴: ۱۳۳). شگرد رئالیسم جادویی که «تلفیقی از عنصر سحر و رؤیا با حقایق و جزئیات روزمره زندگی است، سیر منطقی روایت را دگرگون می‌کند. در بطن آثار رئالیسم جادویی می‌توان عناصر اسطوره‌ای، افسانه‌ای، نماد، فرا حقیقی و وهم را به‌وضوح دید.» (موسوی‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۶۱) آمیختگی الگوهای واقع‌گرایی با خیال و وهم و عناصر رؤیا گونه، به شکلی است که اثر جدید، به هیچ‌یک به عناصر سازنده‌اش شبیه نیست و خصوصیتی مستقل و جداگانه دارد. در چنین داستان‌هایی،

قصه‌ای، در شکل خیال و وهم ارائه می‌شود و همین مسئله داستان‌های واقع‌گرایی جادویی را از داستان‌های خیال و وهم جدا می‌کند. (میرصادقی، ۱۳۸۷: ۴۹۶) و به آن هویتی مستقل می‌بخشد که با درهم‌تیدن واقعیت و خیال، ساحتی گسترده‌تر برای ادیبان و شاعران می‌گشاید تا آن‌ها بتوانند دغدغه‌های درونی خود از اوضاع را به شکلی عمیق‌تر بازگویی نمایند. این گروه از نویسندگان، شگرد رئالیسم-جادوئی را با توجه به گنجایش فوق‌العاده‌ای که داراست، ظرفی مناسب برای بیان وخامت اوضاع تشخیص داده در استمرار و توسعه آن کوشیده‌اند. زیرا هر رمانی بیش از آنکه وصف دنیای واقعی و موجود باشد، خلق جهانی مبتنی بر ذهنیت نویسنده از جهان پیرامون اوست و به تعبیر لوکاچ: «رمان نقاشی واقعیت است، نه عکاسی آن، چرا که ذهنیت رمان نویس واقعیت را به گونه‌ای دسته‌بندی می‌کند که بتواند گونه دلخواه خود را به تصویر در آورد» (تسلیمی، ۱۳۸۸: ۱۹۸) بنابراین، در رئالیسم جادویی، حوادث غیر واقعی، استعاره از حوادثی است در عالم واقع وجود دارند. (رک: طاهرزاد و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۳۲) در چنین داستان‌هایی «شخصیت‌ها نیز در هر دو جهان زندگی می‌کنند و به هنگام انتقال از جهان واقعی به جهان فراواقعی، دچار بهت و هیجان نمی‌شوند؛ لذا از سویی نمی‌توان مرزبندی مشخصی میان جهان واقعی و جهان خیالی دید و از سوی دیگر، رخدادها کاملاً طبیعی و باورپذیر جلوه می‌کنند.» (بی‌نیاز، ۱۳۹۳: ۲۵۴). بر این اساس، در داستان‌نویسی رئالیسم جادویی، نویسنده رویکردی انتقادی و طعنه‌آمیز از جهان واقعی پیرامون خود دارد. او ضمن آنکه عناصر جادوی و خیالی را با باورهای ساده فولکلوریک در هم می‌آمیزد، تلاش می‌کند رویکردی انتقادی از نابسامانی‌های اجتماعی، اقتصادی و حتی باورهای نادرست حاکم بر جامعه خود داشته باشد. (ناظمیان و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۷۴). در این نوع رمان‌ها در بسیاری از اوقات، حالتی به نام خموشی نویسنده نیز خودنمایی می‌کند که بیانگر سکوت و خاموشی او و بیان نکردن احساس، واکنش یا سمت‌گیری وی در برابر رویدادهای غیر عادی است؛ به عبارت دیگر او به شگفتی خواننده توجهی نمی‌کند؛ نه آن را تصدیق می‌کند و نه انکار؛ نه قصد توجیه دارد و نه تشریح.» (کسیخان، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

۲-۲. روش تحقیق

این پژوهش با رویکردی میان‌رشته‌ای در پی تبیین این موضوع است که نویسنده با استفاده از روایت-پریشی که در آن بسامد و نظم زمان، مکان و کنش به هم می‌ریزد و حوادث را به گونه‌ای غیرقابل پیش-بینی درمی‌آورد؛ به خوبی توانسته است آن را با رئالیسم جادویی که مشخصه آن درهم‌تنیدگی خیال و واقعیت است، تلفیق ایجاد کند. پیوند و تناسب میان این دو حوزه دانشی سبب گشته است تا نویسنده

رمان در آنچه از انتقال معنی و مفهوم در نظر دارد، به خوبی عمل کند. بهره‌گیری از دو رویکرد میان-رشته‌ای؛ و تحلیل تعامل روایت‌پریشی و رئالیسم جادویی در رمان سبب می‌شود تا ابعاد و زوایای پنهان معنا و مفهوم آن برای مخاطب روشن‌تر گردد.

۳. بحث و بررسی رمان

۳-۱. خوانش رمان «العصفورية» با مروری بر روایت‌پریشی در آن

۳-۱-۱. کنش‌پریشی

روایت‌پریشی طرح نامنظم داستان به گونه‌است که در آن گسست خط زمانی، پرش‌های مداوم ذهنی، تداعی آزاد، تغییر ناگهانی و درهم‌آمیختگی به وقوع می‌پیوندد. روایت‌پریشی راهی است که به وسیله آن انجماد روایی شکسته می‌شود و زبان به‌سوی کنش‌های ناپایدار یا غیرمنتظره حرکت می‌کند. ویژگی روایت‌پریشی عبور دادن زبان از این حافظه جمعی و ساختارهای معمول و منجمد است. (طاهرنژاد و دیگران، ۱۴۰۱: ۳۴۲). کنش‌پژوهی از ارکان مهم روایت‌پریشی محسوب می‌شود. در کنش‌پژوهی رفتار و اعمال شخصیت یا شخصیت‌های داستان در یک سیر منطقی اتفاق نمی‌افتند. در نتیجه کنش‌ها هر کدام مستقل از هم عمل می‌کنند و در خدمت کنش مرکزی نیستند. رمان با این جملات شروع می‌گردد:

«- يفتح البروفسور النافذة من جناحه في العصفورية على الممر وينادي:

- شفيق شفيق تعال هنا فوراً!

- يقترب الممرّض الضخم من النافذة وعلى فمه ابتسامة كبيرة:

- مساء الخير يا پروفيسور. أمرك؟

- أين الدكتور سمير ثابت؟

- فلّ.

- فلّ، الله رأسك كيف فلّ؟

- فلّ، يا پروفيسور.

- فلّ دون أن يراني؟ أطلب لي فوراً فخامة الرئيس كميل شمعون.

- كميل شمعون أعطاك عمره.

- مات؟! لا حول ولا قوة إلا بالله، أطلب لي فوراً دولة الرئيس سامي الصلح.

- وسامي الصلح أعطاك عمره.

- مات؟! إنا الله وإنا إليه راجعون، من رئيس الجمهورية الآن؟

- الياس الهراوي.

- من؟!!

- الباس الهراوي. رئيس الحكومة؟» (القصبي، ۱۹۹۶: ۱۰-۹).

پروفسور در ابتدا به دنبال دکتر سمیر می‌گردد و از پرستار می‌پرسد که دکتر کجاست. سپس ناگهان سراغ کمیل شمعون رئیس جمهور را می‌گیرد که پرستار جواب می‌دهد او مرده است. بعد ناگهان به سوال قبلی برمی‌گردد و از پرستار می‌پرسد که دکتر سمیر کی برمی‌گردد. در همین ابتدای داستان پروفسور دچار کنش‌پریشی است. بین دکتر سمیر و رئیس‌جمهور هیچ ارتباط وجود ندارد و دلیلی وجود ندارد که پروفسور این سوال را مطرح کند. در ادامه رمان و در اولین گفت‌گویی‌های میان پرفسور و روان‌پزشک، میزان وخامت حال قهرمان آشکار می‌شود، او مدعی است که مریض نیست:

«اولاً يا دكتور، أنا لست مريضاً؛ و ثانياً لم يحدث في تاريخ العصفورية أن زارها إنسان مثلي، لست إنساناً عادياً... لم أجد هنا للعلاج أثبت للحديث. انت تتقاضى مائة دولار في الدقيقة لا في الساعة يا دكتور، مقابل الإنصات إليّ. لا تقل مرة ثانية لا تصريحاً ولا تلميحاً إني مريض هنا» (همان: ۲۶-۱۱).

شخصیت اصلی رمان که در بیمارستان بستری است اعلام می‌کند که مریض نیست. و برای درمان به این جا نیامده است. بلکه برای قصه گفتن آمده است. علاوه بر این، پزشک که کارش باید طبابت از بیمار باشد، باید شنونده باشد. جالب این است پرفسور برای این کار به پزشک هر دقیقه صد دلار پرداخت می‌کند. او حتی خود را در همه علوم و فنون دانای کل و توانای تام می‌داند:

أنا شاعر وقاص وروائي وكاتب مقالة ورئيس تحرير ومنتج سينمائي وفيلسوف وپروفسور وأؤمن بالحرية الفتيّة إلى أبعد حدود (همان: ۲۸).

او هم‌زمان هر آنچه از حرفه و فن در عالم وجود دارد را به یدک می‌کشد. هیچ محاسبه‌ای و معادله‌ای بین رفتار پرفسور در عالم خارج وجود ندارد؛ هیچ الگوی کنشی شناخته شده‌ای در رمان نیست. هر چه هست توهم و خیال و جابه‌جایی و در نتیجه کنش‌پریشی است. کنش‌پریشی، تشویش در مسیر کلی روایت و خرد شدن رویداد اصلی به رویدادهای دیگر، تا جایی که در برخی متون روایی ممکن است تا حد گسست کامل از رویداد اصلی با آن تفاوت داشته باشد (النداوی، ۲۰۲۴: ۱۴۴).

۳-۱-۲. زمان‌پریشی

روایت، زنجیره‌ای است از رویدادها با زمان دوگانه: یکی زمان آنچه در عالم عینی روی داده و دیگری زمان روایت (ژنت، ۱۴۰۳: ۱۳). زمان‌پریشی مؤلفه‌های اصلی روایت‌پریشی است. و در آن گاهی زمان آینده به ابتدای روایت آورده می‌شود و زمان گذشته به جایی دیگر از روایت پرتاب می‌شود، در جای-جای رمان، روال خطی و منطقی بین گذشته، حال و آینده به هم می‌ریزد. رمان‌پریشی نتیجه فروپاشی توالی منطقی رخدادها و چندپارگی آن است (ابراهیم، ۲۰۰۸: ج ۱: ۲۲-۱۸، الحمدانی، ۱۹۹۱: ۸۵-۷۰).

این چارچوب نظری روایت‌شناختی بر رمان مورد بحث کاملاً منطبق است. قهرمان در حین گفت‌گو با روان پزشک، در مورد وضعیت کنونی‌اش، ناگهان به روایت خاطرات خیالی گذشته می‌پردازد و از متنبی سخن می‌گوید:

«المهم أن أبا حصيد (المتنبی) كان يقول لي: كان سيف الدولة يتمنى لو كان شاعرا مثلي. صدّقني! كان مستعداً للتنازل عن ملكه ليكون شاعرا مثلي. كان بالإمكان، يا پروفيسور، أن تستمرّ العلاقة بيننا رغم الحسد» (القصيبي، ۱۹۹۶: ۲۴).
روان پزشک که از این پریشان‌روایی‌های قهرمان به ستوه آمده و می‌خواهد کلام وی را قطع کند اما با تندی می‌گوید:

«لا تقاطعني يا دكتور.... دعني أكمل، ولا تقطع حبل أفكاجنري. حبل أفكاري رقيق جداً وينقطع بسهولة» (همان: ۴۶).

در ادامه حال و گذشته را به هم می‌آمیزد و ادونیس را در یکی از قهوه‌خانه‌های پاریس می‌بیند:
«رأيت في زقاق من أزقة باريس الضيقة لا يبعد كثيراً عن مكان إقامة «إرما دي لوس» كان في مقهى بوهيمي يكتب ويمزّق كل ما يكتبه» (همان: ۴۰).

این آشفتگی در زمان و عدم ارتباط بین آن‌ها در رمان کاملاً آگاهانه است. شاعر با استفاده از خیال بین گذشته و حال و آینده در رفت و آمد است. در ادامه آن‌گاه که پروفیسور در جنگل‌های بولونیا است؛ به گذشته می‌رود و ناگهان محمد مهدی جواهری او را از خواب مستی بیدار می‌کند:
ذهنبا یا دکتور، إلى غابة بلونيا، و «كان ما كان مما لست اذكره». عدت في أقصى حالات النشوة لولا أبوفرات، سامحه الله.

دکتر از او درباره أبوفرات سوال می‌کند. او این‌گونه شروع می‌کند:

مین أبوفرات؟

محمد مهدي الجواهري، الشاعر الأشهر. كنت على وشك الدخول إلى العمارة التي أسكنها عندما قفز أمامي صائحاً: «أتعلم أم أنت لاتعلم؟! قلت: «أبا فرات الورد! حيّا الله هالشوفة! ماذا تريد أن تعلم؟» قال: «الطريق إلى إليزية» (همان: ۴۰).

تمام رمان مملو از این جابه‌جایی‌های بین گذشته، حال و آینده است. گسست زمانی و عدم ارتباط بین زمان‌ها در رمان سبب گشته است تا زمان‌پریشی در رمان شکل بگیرد. قهرمان در ادامه زمان‌پریشی-های خود، همواره از گذشته‌های خیالی با اطناب سخن می‌گوید، او در ادامه گریزی می‌زند به سال ۱۹۴۹م و ادعا می‌کند که در آن زمان وزیر الشؤون الهامه بوده است. در ادامه از دوستیش با طه حسین می‌گوید و این‌که به خاطر عبور طه حسین از برخی خطوط قرمز دوستی‌شان به هم خورده است. قهرمان از دوران دوستی‌اش با رافعی تعریف می‌کند و همچنین دورانی را که با متنبی، جبران خلیل

جبران، انور سادات، حافظ ابراهیم، ارنست همینگوی، جیمز جویس، توفیق حکیم، آدونیس، ژنرال شارل دوگول، دوست بوده سخن می‌گوید. روان پزشک، سمیر ثابت از این دوستی‌ها متعجب می‌شود و باور نمی‌کند اما بشأرالغول به او اطمینان می‌دهد که تمام این‌ها برای او اتفاق افتاده است. وی در ادامه ادعا می‌کند صاحب بزرگترین دفتر وکالت در جهان بوده است و پرونده‌های مربوط به ازدواج و طلاق انسان و جنّ و امور مربوط به سرقت‌های ادبی را می‌پذیرفته است. او سپس برخی از زوایای پنهان رابطه متنبی با کافور اخشیدی و سیف الدوله را برملا می‌کند و می‌رسد به زمانی که در آسایشگاه مونتری گذرانده است و سپس به زمانی که عضو مجمع پرده‌داران بوده است. سپس از دوران تحصیلش در دانشگاه استفورد حرف می‌زند.

۳-۱-۳. مکان‌پریشی

مکان‌پریشی نیز دیگر ابزار روایت‌پریشی در رمان است. امری که سبب گردیده مکان‌ها ارتباط منطقی و زنجیروار خود را از دست دهند و هر کدام به‌طور مستقل عمل نمایند. سعید یقطین روایت را نظامی از روابط زمانی و مکانی می‌داند که انسجام متن را شکل می‌دهد. هر گاه این روابط دچار گسست و پراکندگی شوند، نوعی اختلال در ساختار روایی پدید می‌آید (یقطین، ۱۹۸۹: ۴۲-۳۵). نویسنده گاهی در زمین است و مخاطب آن انسان است و گاهی به آسمان می‌رود و باجنیان صحبت می‌کند:

«في ليلتي الأخيرة هنا حدث شيء عجيب جدا. عدت إلى سفينة الكائنات الفضائية. وفتحت الكائنات مخي، وغير جهاز الإرسال. ثم قدّمت لي شيكا بمبلغ ألف مليون دولار مقابل استئجار مخي خمس سنوات» (القvisي، ۱۹۹۶: ۱۴۴). او مکرراً از رابطه خود با جن‌ها و حتی ازدواج با برخی از آن‌ها سخن می‌گوید:

«كانت علاقتي بسوزي مريحة جدا، وكانت علاقتي بفرحة هادئة جدا، أما علاقتي بعفراء فعاصفة جدا» (همان: ۱۷۴). او در دانشگاه استفورد با دختری آمریکایی به نام سوزی آشنا می‌شود. از دورانی که با سوزی گذرانده، تعریف می‌کند؛ زمانی که هر دو فوق لیسانس ادبیات تطبیقی می‌خوانده‌اند. تا این‌که او در روز تولّد سوزی می‌فهمد که وی یهودی است و به خاطر پنهان کردن این حقیقت و تنفّری که او از اسرائیلی‌ها داشته، به شدّت عصبانی می‌شود، سوزی را کتک زده و از خود می‌راند. سوزی با دلخوری او را ترک می‌کند و با چنان سرعتی رانندگی می‌کند که کنترل ماشین را از دست می‌دهد و در تصادفی کشته می‌شود. سپس در دادگاه، او به تقصیر در مرگ سوزی و تنفّر از اسرائیلی‌ها محکوم می‌شود و به آسایشگاه روانی برده می‌شود. در ابتدا پزشک معالج آن تیمارستان، سعی می‌کند با جستجو در دوران کودکی، ریشه‌ای برای این رفتارها و تنفّرها بیابد، او برای مدّت زیادی در آسایشگاه نگه داشته می‌شود تا این‌که به ستوه می‌آید و سعی می‌کند فرار کند اما دکتر جانسون و مأموران آسایشگاه روانی دستگیرش می‌کنند

و با قوی‌ترین داروهای وی را بیهوش و شکنجه می‌کنند. بشار الغول مدعی است در اثر آن حادثه، یکی از سلول‌های مغزی وی از کار می‌افتد و ناگهان امکان ارتباط با جنیان برای وی برقرار می‌شود. او در آن‌جا با دختر خاقان جنیان، به نام دفایه ازدواج می‌کند. خاقان می‌گوید که باید موقتاً به جهان انسان برگردد تا دفایه برای امتحانات راهنمایی آماده شود. شب بعد، در اثر بیهوشی سلول دیگری در مغز وی فعال می‌شود و امکان سفر به عالم روح فراهم می‌شود، او در آن‌جا با روح منتبئی آشنا می‌شود. و منتبئی به او یک مانیتور می‌دهد که با آن، ارتباط برقرار کنند. او در ادامه، به ماجرای دوستی خود با کشیشی می‌پردازد که در اثر خودکشی معشوقه‌اش، کارش به تیمارستان کشیده شده است.

در مکان‌پریشی هر کدام از مکان‌ها مستقل هستند، سیر حرکت آن‌ها از جزء به کل یا برعکس نیست. هر کدام از مسیری مجزا در حرکت هستند. شخصیت اصلی در این رمان کاملاً سیال است از این گوشه جهان به آن گوشه جهان می‌پرد. بنابراین، زایش مکانی رخ می‌دهد و مکان‌ها درهم شکسته می‌شوند و به خرده‌مکان تبدیل می‌شوند (ابراهیم، ۲۰۰۸: ج ۱: ۲۲-۱۸).

بشار الغول در ادامه می‌گوید؛ برای خروج از تیمارستان، مجبور به همکاری با دکتر جانسون شده و به وجود برخی اختلال‌های که دوران کودکی‌اش به دروغ اعتراف کرده است. دکتر جانسون، پس از آن اعتراف، امکان و اجازه خروج وی را داده است. پیش از خروج، سلول دیگری در مغز او فعال شده و این بار به فضا برده می‌شود و در آنجا حوادثی از سر می‌گذراند و سپس به زمین باز می‌گردد. او مدعی است که وی دوباره به دانشگاه استنفورد بر می‌گردد و دکترای روان‌شناسی می‌گیرد و بعد در دانشگاهی استاد مدعو می‌شود و دروس مختلفی تدریس می‌کند و سپس تدریس را رها می‌کند و با تجارت، ثروتی به هم بزند و وارد تجارت بمب اتم می‌شود، اما هیچ کشوری حاضر نمی‌شود به وی بمب اتم بدهد. او حتی به اسرائیل می‌رود و در آنجا دستگیر و شکنجه می‌شود تا به جاسوسی اعتراف کند. اسرائیلی‌ها از او می‌خواهند در ازای ۵۰ کیلوگرم از گوشت بدنش بمب دریافت کند که به معنی مرگ اوست. در این وضعیت، به یکباره دیوار شکاف برمی‌دارد و مردی که خود را یکی از اولیای الهی معرفی می‌کند، او را نجات می‌دهد. بعد برای تجارت بمب به کشور «کندوستان» (کشور خیالی خودساخته قهرمان، بر وزن هندوستان) می‌رود و در آن‌جا نیز دستگیر می‌شود، این بار نیز، او بر بال‌های باد سوار و فرار می‌کند.

۴-۱-۳. مضمون‌پریشی

اگر مضمون در یک سیر روایی نتواند به نتیجه برسد، با مضمون‌پریشی مواجه هستیم؛ در چنین حالتی، ناگزیر از تکرار یا چرخش آن هستیم. چنین مضمون چرخشی به‌نحوی مرتبط با کنشی ناموفق یا پایان-

یافته است. (طاهر نژاد، ۴۰۱: ۳۵۰). زمان‌پریشی و مکان‌پریشی در این رمان منجر به مضمون‌پریشی شده است. در نتیجه مضمون در سیر روایی خود به نتیجه نمی‌رسد و تکرار و چرخش در مضمون رخ می‌دهد و بسامد یا وجه روایت دچار دگرگونی و ناهموازی می‌شود. به این دلیل است که بشار الغول، در دولتی خیالی که بر سر کار آورده، مسئولیت قبول کرده و تصمیم می‌گیرد فساد را ریشه‌کن کند: «بدأت أفكر في الانتقام من البيروقراطية. بغتة، رأيت نفسي وقد أصبحت ديكتاتورا في بلد من بلدان الآي آي. اتخذت قرارين ديكتاتوريين تاريخيين. القرار الأول أن على كل بيروقراطي أن يتخلص من ٦٠ كجم من وزنه خلال شهر واحد وإلا أعدم. والقرار الثاني أمرت بالقبض على كل بيروقراطي مرتش وإعدامه بعد محاكمة عادلة» (القصبي، ۱۹۹۶: ۲۲۳).

تیمارستان در تعامل با حضور بشار الغول به بستری تبدیل می‌شود که دامنه آن از ارجاعی‌ترین تا انتزاعی‌ترین شکل توسعه می‌یابد. او ذهنی آشفته و سرشار از آگاهی‌های متنوع و متناقض دارد، به هر بهانه‌ای یکی از آن دانسته‌های خود را به میان می‌آورد. به عنوان مثال وقتی صحبت از (الجوع) گرسنگی به میان می‌آید با اطنابی ملال‌آور می‌گوید:

«قال السادن الرئيس الخالد: أيها الحجاب: أحضروا الشاطر و المشطور للسادن الجائع. وأعلموا أن للجوع مراتب فصلها الثعالبي النياسابوري: فالجوع فالسغب فالغرث فالطوى فالضرم فالسعار» (همان: ۵۰).

پرفسور با ردیف کردن این واژگان به نقل از ثعالبی، مراتب گرسنگی را از پایین‌ترین مرحله آن «السعار» تا بالاترین حد غیر قابل تحمل آن «الجوع» بر شمرده است.

او در جایی دیگر در شرح واژه تقمص، عجایی به هم می‌افد:

«السقمصة؟! شوي يعني السقمصة؟»

سؤال جید السقمصة اصطلاح نخته أنا، ولم يسبقني أحد إليه حتى

...السقمصة مشتقة من الإسقاط والتقمص. عندما تسقط كل مشاعرك وأحاسيسك على إنسان أو شيء فإن هذا الإنسان أو الشيء يتقمصك، ظاهرة نفسية معروفة» (همان: ۴۳).

پرفسور معتقد که ۹۹ درصد مردم عربستان از افسردگی روانی رنج می‌برند و بیشتر آن‌ها خودکشی می‌کنند. او در توضیح دلایل این افسردگی با وارونه کردن جملات و کلمات، مضمون را پیچیده و پریشان می‌کند و آن قدر ادامه می‌دهد که روان‌پزشک از آن به ستوه می‌آید:

«هل تعرف عربستانياً لا يعاني من الكآبة النفسية؟»

- هذه مبالغة، يا پروفيسور.

- حسناً! هذا رأيي الشخصي ... أغنياء عربستان مصابون بالكآبة وسبب كآبتهم فقراء عربستان. وفقراء عربستان مصابون بالكآبة وسبب كآبتهم أغنياء عربستان و قس على ذلك. سبب كآبة الحكام المحكومون و سبب الكآبة المحكومين الحكام. سبب الكآبة المرضى الأطباء وسبب الكآبة الأطباء المرضى...» (همان: ۳۱).

این‌ها نمونه‌هایی اندک از لفاظی‌های قهرمان متوهم رمان است که در همه جای آن، به وفور یافت می‌شود. او بر خلاف بیشتر بیماران روانی که غالباً به فراموشی دچار می‌شوند، می‌گوید مشکل‌اش فراموشی نیست:

«مشکلتي ليست النسيان مشكلتي الحقيقية كثرة الذكريات» (همان: ۳۸).

روان پزشک که سرانجام از پراکنده‌گویی‌ها و مضمون‌پریشی‌های او خسته شده، بارها و بارها کلام او را قطع می‌کند به طوری گاهی موجب عصبانیت وی می‌گردد:

«لا تقاطعني يا دكتور.... دعني أكمل، ولا تقطع حبل أفكاري. حبل أفكاري رقيق جداً وينقطع بسهولة. آخر مرة انقطع فيها، اضطرت إلى زرع حبل أفكار مأخوذ من بروفيسور برون ياباني عجوز. ولهذا تجدني، أحياناً، أنحني بلا سبب وأحياناً أصرخ بغتة» (همان: ۴۶).

روان پزشک بارها با تعبیر «دخیلک یا پرفسور» می‌کوشد مانع پراکنده‌گویی بیشتر وی شود:

«مقصورة أبي حسيد مشهورة إلا أن مقصورة ابن دريد أشهر منها. ... هل تريد أن أنشدك مقصورة ابن دريد؟ كم بيت؟

۲۵۳ بیتاً فقط لا غیر .

لا یا پروفیسور، دخیلک! (همان: ۴۸).

از این نوع چالش‌ها در رمان فراوان یافت می‌شود که در آنها پرفسور با شنیدن یک کلمه، بهانه‌ای پیدا کرده و در عالم خیال ماجراهایی برای آن می‌سازد. روان پزشک با به کار عبارت «دخیلک» بس کن. لبریز شدن کاسه صبر خود را بر زبان می‌آورد. اما پرفسور کوتاه نمی‌آید و گاهی با عصانیت به قطع شدن رشته کلامش نیز اعتراض می‌کند. او با روایت‌پریشی‌ها، به قدری پراکنده‌گویی می‌کند که سرانجام روان پزشک از او به ستوه آمده و می‌گوید:

«....عفواً یا پروفیسور، عفواً یا پروفیسور، یکفی الاستطارد، هل يمكن أن نرجع إلى قصتك؟» (همان: ۱۷-۱۵۴).

این رفتار پروفیسور و تذکر روان‌پزشک به او که با لحنی عاجزانه همراه است، در تمام رمان دیده می‌شود. به عنوان مثال وقتی که بشار الغول در مورد مونتری صحبت می‌کند و ناگهان قصه ابوالحسید را پیش می‌کشد، روان‌پزشک به او می‌گوید:

«عفواً، یا پروفیسور، عفواً! هل يمكن الآن أن نعود بالحديث إلى مونتری؟ رجاء! رجاء».

بشار در حالی که لفظاً با درخواست او موافقت می‌کند، اما در عمل قصه دیگری را آغاز می‌کند:

«أوكي! أوكي! ولكن قبل الحديث عن مونتری أود أن أحدثك قليلاً عن پالو التو». (همان: ۵۲).

۲-۳. کارکرد رئالیسم جادویی در رمان

نویسنده رمان، تکنیک رئالیسم جادویی را با توجه به گنجایش فوق العاده آن، ظرفی مناسب برای بیان تصویر ذهنی خود دیده است، آشفتگی عامدانه نویسنده، در سبک و ساختار رمان، باز نمود وضعیت نابسامان اجتماعی و سیاسی جامعه عرب، از نگاه اوست. شیوه‌ی روایت پریشی در رمان هماهنگ و همسو با مفهوم رئالیسم جادویی است. رمان سرشار از گفتگوهای متنوع و مناقشه‌های عجیب و غریب و آسمان و ریسمان کردن‌های مضحک «پرفسور» است. آشفتگی‌های ذهنی، روانی او، در جای‌جای رمان خود را نشان می‌دهد. رمان مصداق این سخن است که گفته شده گاهی «فرد برای متوقف کردن بخشی از تأثرات حسی دنیای خارج و درون؛ به انکار موجودیت افکار و تجارب دردناک می‌پردازد. معمول-ترین شکل انکار، خیال‌بافی و رویاست.» (عیسی، ۲۰۱۲: ۲۷۳، موسوی‌نیا، ۱۳۸۴، ۳۴۸).

۱-۲-۳. تداخل خیال و واقعیت

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های رئالیسم جادویی در رمان، ناتوانی خواننده از مرزبندی میان واقعیت و خیال است. به کارگیری عناصر عجیب و غیر واقعی در رمان برای بازنمایی واقعیت اجتماعی و سیاسی است (مطری، ۲۰۱۶: ۶۷۰). رمان مملو از خاطره، رؤیا، طنز، تاریخ و هذیان است. شخصیت اصلی درباره موضوعات مختلف صحبت می‌کند و روایت او از فضای درمانگاه به جهان سیاست، فرهنگ، علم، ادبیات و تاریخ در حرکت است. نام رمان، «العصفوریه» (تیمارستان) در کنار شخصیت اصلی آن که یادآور شاعر هجوگو و تندخوی عصر عباسی، بشار بن برد است. گزینش این نام و پیوند دادن «بشار» با «غول» در پارادوکسی معنادار، دلالتی از رئالیسم جادویی همراه دارد. ترکیب نام یک شاعر واقعی تاریخی بشار بن برد با یک موجود افسانه‌ای غول خود مصداق درهم‌تنیدگی واقعیت و خیال است و مرزهای میان عقل و جنون، تاریخ و هذیان و امر عادی و غیر عادی را به شدت متزلزل می‌کند. او در یکی از پریشان‌گفتارهای خود، مدعی است که این نام مربوط به جنرال دوگل بوده، اما از آن جایی که بچه‌ها به این نام خندیده‌اند، او نام خود را تغییر داده است. (القصبی، ۱۹۹۶: ۴۱).

رئالیسم جادویی موضوعاتی را در بر می‌گیرد که در دو شبکه منحصر هستند. یکی شبکه (من) که بیان-گر آگاهی ذات نسبت به دنیای واقعی و دیگری شبکه (أنت) که فقط درون‌نگر است و در ذات منحصر است و به عالم ناخودآگاه مرتبط است (علی خلیل، ۲۰۰۷: ۱۶). نویسنده با انتخاب قهرمانی متوهم که همواره میان زمین و آسمان و در بین جن و انس سرگردان است، خلاقیتی در کاربست رئالیسم جادویی (به هم آمیختن واقعیت با خیال) پدید آورده است و از جمله قوت‌های رمان تناسب میان شکل و محتوای آن است. او با انتخاب یک تیمارستان و یک بیمار بستری در آن و هذیان‌گویی‌های طولانی و

مکرر وی، مضمونی به شدت انتقادی-اعتراضی پدیده آورده است. حوادث رمان در دو جهان واقعی و فرضی می‌گذرد: جهان انسان، عالم جن، عالم روح و فضا و در هر حادثه‌ای پای قهرمان به یکی از آن ساحت‌ها کشیده می‌شود. رفت و آمدهای خیالی قهرمان میان زمین و آسمان و ادعای دون‌کیشوت‌گونه او، حاکی از هدفمندی و نکته‌سنجی نویسنده رمان است. روایت‌پریشی و گفتگوهای بسیار طولانی و یک‌سویه قهرمان رمان، حجم آن را متورم نموده است. رمان کشکولی از همه چیز است. درهم آمیختن زمین و زمان، جن و انس، عروس میان انسان و جن، مجادله با فلاسفه و دانشمندان، اظهار نظرهای بسیار در باره تاریخ عرب، گفتگوهای تخیلی با نویسندگان و شعرای قدیم و جدید عرب و غیر عرب و صدها نمونه از این نوع مطالب، رمان را در خود غرق نموده است. بشارالغول (پروفسور) در میان حکایت‌هایش خیال و واقعیت را در هم می‌آمیزد و روان‌پزشک با تعجب به او نگاه می‌کند و گاهی هم این تعجب سبب عصبانیت بشار می‌شود:

«وهناك قسم متخصص في قضايا السحر.

- السحر؟! -

- أي نعم! قضايا السحر، بدورها، قضايا خطيرة. لا تتصور مدى أهميتها. لا تتصور عدد المسحورين في العالم وبعضهم في وظائف حساسة جداً. ألا تؤمن بالسحر يا حكيم؟
يضحك الدكتور سمير ثابت و لايجيب!». (همان: ۴۵).

شخصیت‌های رئالیسم جادویی در دو جهان به ظاهر متفاوت و متضاد زندگی می‌کنند. به همین جهت این شخصیت‌ها توانایی آن را دارند که در هر دو جهان به حیات خود ادامه دهند بی‌آن‌که در انتقال از جهان واقعی به خیالی و بالعکس دچار بهت و حیرت شوند. گویی که اصلاً حادثه شگفتی رخ نداده است و همه امور به طور عادی و طبیعی پیش می‌روند. (نیکوبخت، ۱۳۸۴: ۱۴۵). بشارالغول (پروفسور) به طور عادی ارتباط خود را با سحر و جادو برای روان‌پزشک توضیح می‌دهد. هیچ چیزی شگفت‌انگیز و غیر واقعی وجود ندارد؛ همه حوادث از نگاه پرفسور واقعی هستند. به عنوان مثال بشار دوستانی از جن و انس دارد که همگی وکیل‌اند. بعضی آن‌ها متخصص جنیان هستند و به شکایات زناشوئی بین جن و انسان رسیدگی می‌کنند:

«في عربستان لدي ٦٠٠ محام معظمهم من أصدقائي وأصدقائك الأمريكان. وفي المكتب كلّ تخصص يخطر ببالك و عدد من التخصصات التي لا تخطر ببالك. لدينا، مثلاً، قسم كبير متخصص في قضايا الجن.
قضايا الجن؟! -

أوهو! لا تتصور كثرة قضايا الجن ولا تتصور أهميتها. خذ بعض الأمثلة. عندما يتزوج إنسي جنية أو العكس و ينجبان أطفالاً تقوم عدة مشاكل. من يتولّى الحضانة؟ هل يعيش الأطفال مع الجن أو مع الإنس» (همان: ۴۴).

حوادث رمان در چندین جهان هستی‌شناختی واقعی و فرضی می‌گذرد: جهان انسان، عالم جن، عالم روح و فضا و در هر حادثه‌ای پای قهرمان به یکی از آن ساحت‌ها کشیده می‌شود. نوع گفت‌گوهایی که در جای‌جای رمان حضوری پررنگ دارد، از مقوله‌های هستی‌شناختی است که با به‌کارگیری عناصر تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و روحی، روانی رمان را متورم نموده است. درهم آمیختن زمین و زمان، جن و انس، عروسی با جن‌ها، مجادله با فلاسفه و فیزیک‌دانانی مانند آنتین، بزرگان تاریخ عرب، گفت‌گوی تخیلی با شعرای قدیم و جدید و صدها نمونه از این نوع مباحث رمان را فربه نموده است. سخنان پراکنده پرفسوری که آشفتگی اوضاع، روح و جانش را مشوش نموده، در همه ماجراهای رمان جاری و ساری است. او نمونه‌ای آشکار از فردی خودشیفته است و از آن جا که فرد خودشیفته تنها به افکار و احساسات و نیازهای خویش می‌پردازد، از درک واقع‌گرایانه جهان عاجز است، یعنی نمی‌تواند دنیا را همان‌گونه که هست بپذیرد. این سبک روایت در رمان، فقط برای ایجاد شگفتی نیست. بلکه ابزاری برای طرح مسائل اجتماعی، فکری و فرهنگی است. «عصفوریه روایت شکست روشنفکر عرب در مقابل قدرت و جامعه است تا از واقعیتی که قصد دگرگونی آن را داشته اما موفق نشده، به عالم خیال پناه ببرد.» (الحارثی، ۲۰۰۳، ۳۳). نویسنده رمان به منظور تحقق این هدف، تیمارستان و بیماری بستری در آن به کار گرفته است. تیمارستان نماد اوضاع آشفته جهان عرب است.

۲-۲-۳. میل به مبارزه با بی‌عدالتی و استبداد به کمک جادو

فلسفه نویسنده در رمان «العصفوریه» آگاهی دادن و بیدار ساختن افکار جامعه عرب است. بدین خاطر نام رمان، شخصیت اصلی رمان و حوادث آن در خدمت مضمون اصلی رمان است و برای رهایی از وضع موجود مؤلفه‌های رئالیسم جادویی را به خدمت می‌گیرد. «شورش و اعتراض علیه حکومت‌های استعمارگر جزو ویژگی‌های رئالیسم جادوی است» (قهرمان‌لو، ۱۳۸۶: ۲۳). به عنوان مثال بشارالغول در دولتی خیالی که بر سر کار آورده، مسئولیت قبول کرده و تصمیم می‌گیرد فساد را ریشه‌کن کند: «بدأت أفكر في الانتقام من البيروقراطية. بغته، رأيت نفسي وقد أصبحت ديكتاتوراً في بلد من بلدان الآي آي. إتخذت قرارين ديكتاتوريين تاريخيين. القرار الأول أن على كل بيروقراطي أن يتخلص من ٦٠ كيلجم من وزنه خلال شهر واحد وإلا أعدم. والقرار الثاني أمرت بالقبض على كل بيروقراطي مرتش وإعدامه بعد محاكمة عادلة» (القvisي، ۱۹۹۶: ۲۲۳).

کم کردن وزن بدن به مقدار ۶۰ کیلو در یک ماه، کاری است که فقط در دایره سحر و جادو امکان‌پذیر است. این مسئله مصداق عینی نظریه لوکاج است که رمان را نقاشی واقعیت می‌داند، نه عکاسی آن، چرا

که ذهنیت رمان‌نویس واقعیت را گونه‌ای دسته‌بندی می‌کند؛ گونه دلخواه خود را به تصویر درآورد (تسلیمی، ۱۳۸۸، ۱۹۸).

بشارالغول تنها ابزار سرنگونی اسرائیل را ایجاد لشکری انقلابی و متحد از تمام کشورهای عربی می‌داند. او در این بخش کاملاً واقع‌بینانه صحبت می‌کند:

«إن الوسيلة الوحيدة، أكرر الوحيدة، لتدمير إسرائيل هي إقامة حكم عسكري ثوري في مختلف أنحاء الأمة العربية. والأسباب؟ السبب الأول، تفوق الاسرائيل، في أساسه، هو تفوق عسكري ولا يمكن مجابهته إلا بتفوق عسكري عربي. السبب الثاني، هناك نزعة متأججة في نفوس العسكريين العرب إلى الثأر من هزيمة ١٩٤٨، وإتاحة الفرصة الكاملة لهذه النزعة هي أقرب الطرق إلى تدمير إسرائيل». (همان: ۱۹۸).

در ادامه برای مقابله با اسرائیل راه‌حل‌های فروانی پیشنهاد می‌دهد که آمیخته با واقعیت و گاهی اغراق و جادو است. او حاضر است برای به تخت نشاندن قانون‌گذاری در عربستان ۵۰۰ میلیون دلار هزینه کند که این عدد در زمان نویسنده رمان عددی غیر واقعی و خیالی بوده است:

«عقدت اجتماعات طويلة، سرية بطبيعة الحال، مع الرائد صلاح الدين المنصور قبل أن أضع تحت تصرفه ٥٠٠ مليون دولار لتمويل الانقلاب.

- نصف مليار؟! دفعت للزلمة نصف مليار؟!

- أي نعم! ولم لا؟ ألم أكن أملك المال؟ ألم يكن حلمي الأكبر النهوض بالأمة العربية و تدمير إسرائيل؟» (همان: ۲۰۰).

بشارالغول برای مقابله با استبداد واقعیت را سحر و جادو به کار می‌گیرد که از ویژگی‌های رئالیسم جادوی است.

۳-۲-۳. صبغة تاریخی رمان

در بسیاری از داستان‌های رئالیسمی، نویسنده با پرداختن به مسائل تاریخی و توصیف جزء به جزء. آن‌ها را بازگو می‌کند. این همان بخش رئالیستی است. یعنی یک اتفاق واقعی رخ داده در تاریخ آن سرزمین، دست‌مایه اصلی نویسنده شده است؛ البته باید توجه داشت در این قسمت‌ها نیز نویسنده صرفاً به روایت تاریخ نمی‌پردازد؛ بلکه با استفاده از تخیل خود، واقعیت و حافظه جمعی، این حوادث را بازسازی می‌کند. در این‌گونه آثار، تاریخ مانند وزنه‌ای بالن تخیل نویسنده را مهار می‌کند. (الشرفات، ۲۰۱۳: ۵۰). در رمان «العصفورية» شاعر از این ابزار به خوبی بهره برده است:

«- كانت الخطوة التالية هي اختيار الضابط الذي يتولّى الحكم في عربستان. بعد تحريات مضنية استقر رأيي على الرائد صلاح الدين المنصور» (القصبي، ۱۹۹۶: ۲۰۰).

انتخاب نام صلاح‌الدین تناسی تاریخی دارد. نویسنده با استفاده از نام صلاح‌الدین از تاریخ کمک می‌گیرد و با کمک خیال آن را در رمان خویش به کار می‌گیرد. این نام یادآور صلاح‌الدین ایوبی سردار دلیر و شجاع تاریخ جنگ‌های صلیبی است. پرفسور آن‌جا که ادوینس را در قهوه‌خانه‌ای در پاریس می‌بیند که در حال نوشتن است، از او سؤال می‌کند که چه می‌نویسد، ادوینس این‌گونه پاسخ می‌دهد:

«ماذا تفعل هنا؟ قال: أكتب ديوان شعر، قلت: يقوي ساعدك وماذا سميت؟ قال: «أغاني مهبّار الدمشقي».

قلت: الفارسي؟ قال: «الفارسي».

قلت: «إذن، تحوّل مهبّار؟».

قال تحول، إجلس معي واشرب كوكتيل صدمة الحداثة. قلت: وما كوكتيل صدمة الحداثة؟ قال: خذ كفريات ابن الراوندي الملحد، وهرطقات بشار الأعمى الناصح، وشعوبيات أبي نواس الغلامي الزنديق، ورشّ عليها شكوكيات أبي العلاء المعري، وتقعرات أبي تمام، ثم خذ خربقاً وسلفقاً وشبرقاً فرهزقه وزقزقه فنتجج كوكتيل صدمة الحداثة».

(همان: ۴۰).

قهرمان رمان در ادامه پریشان‌گویی‌های خویش و با استفاده از تاریخ و با کمک خیال از کفريات ابن-راوندی، بدعت‌های بشار، شعوبيات ابونواس کوکتل درست می‌کند و شکوکيات ابوالعلاء معری را به عنوان نمک بر آن می‌پاشد و آن را کوکتل شوک مدرنیته می‌نامد. انتخاب این آثار تاریخی که هر کدام در زمان خود و حتی تابحال آثاری نابهنجار قلمداد می‌شوند؛ در خدمت فضای پریشان رمان است.

یکی از بخش‌های پرتکرار در رمان، استفاده از نام متنبی شاعر معروف عرب و سیف‌الدوله حاکم آن وقت است. تقریباً در هرچند صفحه یک بار نامی از متنبی به میان می‌آید؛ بدین صورت که قهرمان داستان هر وقت می‌خواهد به داستان متنبی بپردازد، ناگهان با شروع حکایت دیگر آن را مسکوت می‌گذارد. تلاش روان‌پزشک هم برای یادآوری حکایت گاهی بی‌نتیجه می‌ماند:

- عفو! یا پروفسور! أنت حکیت مع المتنبی؟!

- أووه! ألف مرّة! على الأقل!

پروفسور در ادامه اسم متنبی را تغییر می‌دهد و عنوانی طنزگونه برای او انتخاب می‌کند. او متنبی را «ابوحسید» می‌نامد. او دلیل این نام‌گذاری را توضیح می‌دهد:

«الحسد آفة العلماء والأدباء ... والمتنبی كان مهووساً بالحسد. ولهذا سمّی ابنه مُحسّداً. وأنا أسمّيه أباحسید».

پروفسور در داستان قهر ابوحسید از سیف‌الدوله، که می‌گوید ابوحسید آن را برایم تعریف کرده است، و علت آن حسادت سیف‌الدوله از متنبی است. سیف‌الدوله را شویر (شاعر کوچک) می‌نامد:

«قال لي: كان سيف الدولة يحسدني، یا پروفسور... لماذا يحسدك؟ قال: كان سيف الدولة شويعراً...»

روان‌پزشک با تعجب می‌پرسد، مگه سیف‌الدوله شاعر است:

«- عفواً یا پروفیسور! شو یعنی شو عراً؟»

- شو عراً تعنی شاعراً صغیراً. زغیراً!

- سیف‌الدوله شاعر؟ ما شفناها فی الکتب». (همان: ۲۳).

نویسنده رمان با به‌کارگیری سبک رئالیسم جادوئی، از گذشته برای بیان مضمون مورد نظر خویش استفاده کرده است و واقعیت را با خیال درهم آمیخته است. نکته این است که شاکله اصلی رمان ذکر حوادث تاریخی است. نویسنده در گزینش تاریخ، بیشتر جنبه منفی و ناخوشایند آن را برگزیده است و با تغییر آن مضمون مورد نظر خویش را پیش برده است.

۳-۳. تلفیق دو شگرد روایت پریشی و رئالیسم جادوئی در رمان

نویسنده با استفاده از روایت‌پریشی و تلفیق آن با تکنیک‌های رئالیسم جادوئی و با کمک شخصیت اصلی رمان، دنیایی پر از تناقض و تشویش را به تصویر می‌کشد. دنیایی که آینه تمام‌نمای واقعیت اجتماعی جامعه عرب است؛ شخصیت اصلی داستان در این‌جا، همه‌کاره و در عین حال هیچ‌کاره است. او با تمام ارتباطی که با جن و انس دارد، در حل مشکل خویش ناتوان است و در تیمارستان، نیاز به درمان به وسیله دیگران دارد. این رمان، نماد وجدان زخمی حافظه تاریخی عرب است، نویسنده، شیوه روایت‌پریشی و تلفیق آن با رئالیسم جادوئی را قالبی مناسب برای بازتولید تصویر ذهنی خود از وضع موجود دانسته است. این رمان، در تناسب میان شکل و محتوا، در جایگاهی عالی از رمان‌های رئالیسم جادوئی برخوردار است. درون مایه اصلی رمان، در حقیقت روایت شکست روشنفکران جهان عرب در مقابل قدرت و جامعه است. این گروه در برابر واقعیتی که قصد دگرگونی آن را داشته اند، اما ناکام مانده اند، به عالم وهم و خیال و پریشان‌گویی پناه برده اند و این همان واقعیتی است که نویسنده به دنبال فریاد زدن آن است. جامعه عرب با تمام خودبزرگ‌بینی‌ها و ادعای فضل و برتری، در حل مشکلات اولیه زندگی خویش ناتوان و سرگردان است و چون نویسنده در دنیای واقعی امیدی به حل مشکل ندارد، به دامن خیال پناه می‌برد و با استفاده از رئالیسم جادوئی آن را با واقعیت درهم می‌آمیزد. روایت-پریشی‌های رمان هم کاملاً همسو و هماهنگ با این تصویر است. گفتگوهای دون‌کیشوت‌گونه پرفسوری متوهم و از خود راضی که با همه: انسان‌ها، جن‌ها، و در باره همه، دائماً بحث و مناقشه می‌کند، انتخابی هدفمند از سوی نویسنده نکته‌سنج رمان بوده است. او این شیوه آشفته‌گی در وصف را بی‌جهت برای رمانش انتخاب نکرده، قهرمانی پریشان‌حال با هذیان‌گویی‌های مکرر. گویی نویسنده قصد طرح این سؤال را داشته که آیا امیدی به بهبود اوضاع در یک نظام فاسد و با انسان‌هایی پریشان‌حال، وجود دارد

و یا چنین امیدی اصولاً سرابی گول‌زننده است. رمان وجود سرابی دروغین و آب نما را برای مخاطب ترسیم می‌نماید.

نتیجه‌گیری

در رمان «العصفوریة» شگرد روایت‌پریشی که در آن، زمان خطی، مکان فیزیکی و نظام گفتاری انسان دستخوش ویرانی شده است، آگاهانه با رئالیسم جادویی تلفیق شده و پیوندی هدفمند و معنادار خورده است. انتخاب یک تیمارستان و یک بیمار روانی در آن به عنوان قهرمان اصلی رمان، گزینشی آگاهانه و هدفمند از سوی نویسنده بوده است؛ او این انتخاب و با درهم‌ریختگی عامدانه سبک روایت، تصور ذهنی مشوش خود از میزان وخامت اوضاع جهان معاصر عرب را بازتولید نموده است.

استفاده از رئالیسم جادویی این امکان را برای نویسنده فراهم کرده که حوادث رمان در چندین جهان هستی‌شناختی واقعی و فرضی بگذرد: جهان انسان، عالم جن، عالم روح و فضا و در هر حادثه‌ای پای قهرمان به یکی از آن ساحت‌ها کشیده شود. نوع گفت‌گوهایی که در جای‌جای رمان حضوری پررنگ دارد، از مقوله‌های هستی‌شناختی است که نویسنده با به‌کارگیری واقعیت و خیال، عناصر تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و روحی، روانی را درهم می‌آمیزد.

دست یافتن به زوایای پنهان رمان با خوانشی میان‌رشته‌ای از آن میسر است؛ این پژوهش، افق جدیدی از تحلیل محتوای رمان برای مخاطب گشوده است؛ چنان که عدم آشنایی مکانیزم رئالیسم جادویی در کاربست این نوع از رمان‌ها، سبب می‌گردد تا روایت‌پریشی‌های پرتکرار آن‌ها، موجب خستگی مخاطب شود.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان

نویسندگان به طور مساوی در کلیه مراحل طراحی و انجام پژوهش، گردآوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها، تحلیل و تفسیر اطلاعات و نتایج، تهیه پیش نویس مقاله، بررسی و کنترل نتایج، اصلاح، بازبینی و نهایی‌سازی مقاله مشارکت داشتند.

اعلامیه هوش مصنوعی مولد و فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی در فرایند نگارش

در نگارش این مقاله از ابزار چت‌جی‌بی‌تی جهت ویرایش ادبی و علمی مقاله استفاده شده است. تمامی خروجی‌ها توسط نویسندگان بررسی شده و مسئولیت محتوای نهایی اثر بر عهده آنان است.

تعارض منافع

این مقاله تعارض منافع ندارد.

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آن‌هاست.

بیانیه دسترسی به داده‌ها

مقاله حاضر به طور عمومی و دسترسی آزاد در سامانه نشریه «روایت‌پژوهی میان‌رشته‌ای در زبان و ادبیات عربی» با صاحب امتیازی دانشگاه زابل قابل استفاده است.

سپاسگزاری

از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.

منابع

الف) منابع عربی

- ابراهیم، عبدالله (۲۰۰۸)؛ موسوعة السرد العربي، ج ۱، بیروت: المؤسسة العربية للدراسات والنشر.
- أبو أحمد، حامد (۲۰۰۹)، الواقعية السحرية في الرواية العربية، القاهرة: مجلس الأعلى للثقافة.
- الحارثی، محمد بن مریسی (۲۰۰۳) «الرواية عند القصصی - دراسه نصیه» رسالة الماجستير، مملكة السعودية: جامعة أم القرى.
- الحمداني، حميد (۲۰۰۰)؛ بنية النص السردی من منظور النقد الأدبی، بیروت: المركز الثقافي العربي.
- الشرفات، حميدان اقطيش مطر (۲۰۱۳) شخصية المرأة في روايات غازي القصيبي، جامعة آل البيت، قسم اللغة العربية، الأستاذ المشرف: منتهى الحراشة.
- علي خليل، لؤي (۲۰۰۷)، عجائبية النثر الحكائي أدب المعراج و المناقب، دمشق، التلوين للتأليف و الترجمة و النشر.
- العيسى، فوزي سعد (۲۰۱۲)؛ الواقعية السحرية في الرواية العربية، القاهرة: دارالمعرفة.
- الغانمي، سعيد (۲۰۰۴)، خزانة الحكايات، ط ۴، بیروت: المركز الثقافي العربي.
- الفضل، صلاح (۱۹۹۱)، منهج الواقعية في الإبداع الأدبی، القاهرة: دارالمعارف.
- القصيبي، غازي عبدالرحمن (۱۹۹۶)، «العصفورية»؛ الرياض، دار الساقی.
- مرتاض، عبدالملك (۱۹۹۸)، في نظرية الرواية: بحث في تقنيات السرد، الجزائر: ديوان المطبوعات الجامعية.

مطري، نجلاء بنت علي، الواقعية السحرية في الرواية العربية من ۲۰۰۰ م حتى ۲۰۰۹ م، بيروت: مؤسسة الإيتشار العربي.

النداوي، محمد جاسم (۲۰۲۴)؛ مسارات السرد وانشطاراته: الرواية العربية نموذجاً، مجله الباحث، العدد الخاص بوقائع المؤتمر العلمي الدولي الثالث.

يقتين، سعيد (۱۹۸۹)؛ تحليل الخطاب الروائي: الزمن، السرد، التبئير، الدار البيضاء: المركز الثقافي العربي.

(ب) منابع فارسی

بی‌نیاز، فتح الله، (۱۳۹۳) نقد، تحلیل و تفسیر چند داستان معتبر جهان، ج چهارم، چ اول، تهران: افزار.

تسلیمی، علی (۱۳۸۸)، «گزاره‌هایی در ادبیات معاصر ایران (داستان) پیشا مدرن، مدرن، پسا مدرن»؛ چ دوم، تهران، کتاب آمه.

ژنت، ژرار (۱۴۰۳)؛ گفتمان روایت: جستاری در باب روش، ترجمه معصومه زواریان، تهران: انتشارات سمت.

طاهرزاد، نازنین؛ شعیری، حمیدرضا؛ ایرجی، مریم (۱۴۰۱)، تحلیل روایت‌پریشی و چالش‌های نشانه-معنایی آن، دو فصلنامه روایت‌شناسی، ۶ (۱۲): ۳۶۴-۳۳۷.

قهرمان‌لو، ماندانا (۱۳۸۶)؛ رئالیسم جادویی، مجله رودکی، شماره ۱۶ (۶): ۲۵-۳۸.

کسیخان، حمید رضا، (۱۳۹۰) «بررسی تطبیقی رئالیسم جادویی در طبل حلبی گونترگراس و یک صد سال تنهایی از گابریل گارسیا مارکز، دو فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه الزهراء، ۲ (۴): ۱۰۵-۱۲۶.

موسوی نیا، نورا (۱۳۸۴)، اسطوره و رئالیسم جادویی، کتاب ماه هنر، مرداد و شهریور.

میرصادقی، جمال (۱۳۸۷)، «راهنمای داستان‌نویسی»؛ تهران، سخن.

ناظمیان، رضا (۱۳۹۳)، «بررسی گزاره‌های رئالیسم جادویی در رمان‌های «عزاداران بیل» غلامحسین

ساعدی و «شب‌های هزار شب» نجیب محفوظ»، /دب عربی، ۲ (۶): ۱۵۸-۱۷۸.

نیکوبخت، ناصر، رامین‌نیا، مریم (۱۳۸۴)؛ بررسی رئالیسم جادویی و تحلیل رمان اهل غرق، فصلنامه

پژوهش‌های ادبی، ۸ (۷): ۱۵۳-۱۳۹.

ج: منابع لاتین

McCarrick, Irnarim (2005), Encyclopedia of Contemporary Literary Theory, translated by Mehran Mohajer and Mohammad Nabavi, Tehran: Ageh Publications.



توظيف تقنيات تشظّي السرد والواقعية السحرية في رواية «العصفورية»

علي سليمي^١، مصيب قبادي^٢، علي بروانه^٣

^١ أستاذ، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة رازي، كرمانشاه، إيران.

^٢ دكتوراه، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة رازي، كرمانشاه، إيران.

^٣ دكتوراه، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة رازي، كرمانشاه، إيران.

معلومات المقالة	الملخص
نوع المادة: مقالة محكمة	مصطلح تشظّي السرد يعني الإخلال بالمستويات الطبيعية والمسار الخطي للسرد، ويُعدّ تشظّي الفعل، وتشظّي المكان، وتشظّي الزمان من مكوّناته الأساسية. وفي هذا السياق، ثمة مقارنة أخرى هيأت أرضية مناسبة لتشظّي السرد، ألا وهي تقنية الواقعية السحرية السردية، التي يمتزج فيها السحر والرؤيا مع الواقع وتتداخلان على نحو لا يكاد الأثر الناتج عن تركيبهما يشبه العناصر المكوّنة له بأدنى قدر. وقد أنشأ الارتباط والتناسب بين هذين المقاربتين السرديتين والنقديتين آلية فعّالة في تحرير الرواية المعاصرة وتحليلها. ويهدف البحث الحالي إلى تمثيل الزوايا الخفية لرواية «العصفورية» باستعمال المقاربتين السرديتين - النقديتين المذكورتين. وقد أظهرت نتائج البحث أن هذه الرواية من الروايات التي يمكن تفسير طبقاتها المتداخلة بمساعدة هذين الحقلين المعرفيين. لأنها من جهة تحمل صبغة الواقعية السحرية، وتجري أحداثها على الحدّ الفاصل بين الواقع والوهم وفي عالم الجنّ والإنس، ومن جهة أخرى هي حافلة بتشظّي السرد؛ فقد تحطّم فيها المسار الخطي للزمان، وفيزياء المكان، والفعل الإنساني القابل للتوقع، واتخذت الأحداث مساراً بعيداً عن المتوقع.

الكلمات المفتاحية: «العصفورية»، غازي القصيبي، تشظّي السرد، الواقعية السحرية.

الاقتباس: سليمي، ع، قبادي، م، بروانه، ع. (١٤٤٧). توظيف تقنيات تشظّي السرد والواقعية السحرية في رواية «العصفورية»، *السرديات*

البيئية في اللغة العربية وآدابها. ٣ (العدد الخاص). ١١٩-١٤٦.

doi: 10.22034/jisall.2026.581764.1119



حقوق التأليف والنشر © المؤلفون.

الناشر: جامعة زابل.

The use of narrative techniques and magical realism in the novel "Al-Asfouriya"

Ali Salimi, (corresponding author): Professor Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

Email: a.salimi@razi.ac.ir.

Mosayeb Ghobadi, Graduate of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

Ali Parvaneh, Graduate of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

Introduction

The novel "Al-Asfouriyah" (The Asylum) by Saudi critic Ghazi Abdul Rahman Al-Qasaibi is a very famous work written in the form of modern novels and in the style of "magical realism". The novel in question has not been studied from an interdisciplinary perspective so far. Analyzing it from the perspective of magical realism can lead to the discovery of new meanings in its narrative; this research can also provide a model for analyzing other Arabic fiction works with an interdisciplinary approach, and in this way, help develop Arabic narrative studies by opening new horizons in reading fiction works using other humanities and social sciences. The present study intends to reread the novel's narrative dysphorias using a descriptive-analytical method and an interdisciplinary approach, and analyze it from the perspective of magical realism. This study seeks to answer the following questions:

- What narrative technique has the author used to draw his mental picture of the situation?

Methodology

The term dysnarrative refers to the disruption of narrative spaces, usually in which a being or beings from another narrative space or even outside the narrative invade the narrative or story world. Dysarthria, dysarthria, and dysarthria in narrative are the main elements of dysnarrative. The close relationship between these two categories has led to the formation of coherence between structure and content. The advantage of this study over other studies that focus on one area is that merely analyzing the anaphora in this novel does not lead to the discovery of the purposeful meanings that the author expects. If the reader of the novel is familiar with the concepts of magical realism and realizes that the author has consciously used fantasy and reality at the same time, the continuation of the novel will be interesting to him and he will not be bothered by the lack of connection between the theme and the dispersion of events.

Results and Discussion

This term was coined by people like Gerard Genette, Todorov, and Barthes in the world of structuralist narratology. The term narrative dysarthria refers to the disruption of narrative spaces, in which a being or beings from another narrative space or even outside the narrative invade the narrative or story world. Dysarthria, dysarthria, and dysarthria in narrative are the main elements of dysarthria. Dysarthria occurs when actions are not logically connected to each other and do not serve a central action. Al-Asfouriya, which is a relatively voluminous novel (three hundred pages), is a chaotic picture of the author's critical-protesting mentality about the worsening conditions in the Arab world. The main focus of the novel is the scattered conversations of the novel's protagonist, Professor "Bashar al-Ghol". At first, he asks a nurse to inform the psychiatrist "Samir Sabet". When the psychiatrist arrives, the professor's scattered speeches begin.

Conclusion

The choice of a mental hospital and a mental patient there as the main hero of the novel was a conscious and purposeful choice by the author of the novel; by choosing these two components, in the form of magical realism, he has well linked the form and content and with the help of these three narrative techniques, he has well presented the main theme of the novel. By using anaphora, anaphora and anaphora, and by deliberately confusing the narrative style, the author has reproduced his inner perception of the severity of the situation in the contemporary Arab world. In addition to this proportion between form and content, which is considered a positive aspect of the novel, his excess in narrative disorganization and the existence of long conversations, especially the hero's repetitive monologues, the occurrence of similar events, make the text of the novel boring. Although this defect is minor, it has overshadowed the author's purposeful choice in the appropriate selection of the aforementioned components and has reduced the artistic value of the novel.

References

- Abu Ahmad, Hamed (2009), *Magical Realism in Arabic Fiction*, Cairo: Majles Al-Ala. {In Arabic}
- Al-Fadl, Salah (1991), *The Methodology of Realism in Literary Creativity*, Cairo: Dar Al-Maarefa. {In Arabic}
- Al-Ghanmi, Saeed (2004), *The Treasury of Tales*, 4th ed., Beirut: Arab Cultural Center. {In Arabic}

- Al-Hamdani, Hamid (2000); *The Structure of Narrative Text from the Perspective of Literary Criticism*, Beirut: Arab Cultural Center. {In Arabic}
- Al-Harithi, Muhammad bin Muraishi (2003) "The Novel in Al-Qusaibi's Work: A Textual Study," Master's Thesis, Kingdom of Saudi Arabia: Umm Al-Qura University. {In Arabic}
- Al-Issa, Fawzi Saad (2012); *Magical Realism in the Arabic Novel*, Cairo: Dar Al-Maarefa. {In Arabic}
- Al-Nadawi, Muhammad Jassim (2024); *Narrative Paths and Divisions: The Arabic Novel as a Model*, Al-Bahith Journal, Special Issue on the Proceedings of the Third International Scientific Conference. {In Arabic}
- Al-Qusaibi, Ghazi Abdul Rahman (1996), "Al-Asfouriya"; Riyadh: Dar Al-Saqi. {In Arabic}
- Al-Shurafat, Hamidan Aqtish Matar (2013) *The Character of Women in the Novels of Ghazi Al-Qusaibi*, Al al-Bayt University, Department of Arabic Language, Supervisor: Muntaha Al-Harahsha. {In Arabic}
- Ibrahim, Abdullah (2008); *Encyclopedia of Arabic Narrative*, Vol. 1, Beirut: Arab Institute for Studies and Publishing. {In Arabic}
- Matari, Najla Bint Ali, *Magical Realism in the Arabic Novel from 2000 to 2009*, Beirut: Arab Diffusion Foundation. {In Arabic}
- McCarrick, Irnarim (2005), *Encyclopedia of Contemporary Literary Theory*, translated by Mehran Mohajer and Mohammad Nabavi, Tehran: Ageh Publications.
- Tahernejad, Nazinin; Shairi, Hamidreza; Irji, Maryam (1401), *Analysis of the narrations of Perishi and Chalsheha Nishaneh - Meaning of An, Du Faslnameh narrations of Shanasi*, 6 (12): 364-337. {In Persian}
- Taslami, Ali (1388), "Gazareh in the Literature of Contemporary Iran (Dastan) Pesha Madran, Madran, Psa Madran"; Dom, Tehran, Kitab Amah. {In Persian}
- Zhent, Gerar (1403); *Kaftman's novel: Jastari dar Bab Rosh*, translated by Masoumeh Zoarian, Tehran: Samat Publications. {In Persian}